

## شعر حریری درباره مسعود سعد

قطعه‌ای که ذیل نقل میشود در کتابی مندرج است بنام بدائع  
البلح که در ۵۹۰ هجری تألیف شده است و نسخه‌ای که از آن  
این قطعه را نقل کرده‌ام بخط شاگرد مؤلف در ۵۹۱ کتابت  
شده و بر مؤلف خوانده شده است و فعلاً در کتبخانه سلیمانیه  
استانبول جزء کتب لاله‌لی بشماره ۱۷۵۰ محفوظست. ترجمه زیر  
سطور از مؤلف یا از شاگرد اوست. از این قطعه بر می‌آید که  
از مسعود سعد نامه‌ای یا شعری به حریری در خاک مصر رسیده بوده  
است و حریری بجواب آن این قطعه را فرستاده بوده :

الحریری صاحب المقامات فی مسعود سعد :

كَلَامٌ كَمَوْرِ الرَّبِّيِّ فَاحٌ غَضًّا      وَقَدْ غَازَلْتَهُ شَائِبٌ قَطْرِ

سخنی است چو شکوفه پشته‌ها که بوی داد تازه      و بازی کرده است با او پاره‌ای از باران

وَرِيحِ الشَّمَالِ جَرَّتْ ثُمَّ جَرَّتْ      عَلَيَّ صَفْحَةَ الْأَرْضِ أَذْيَالِ عَطْرِ

و چو باد شمال برفت پس آنگاه بکشید      بر روی زمین دامنه‌های بوی خوش

وَعَرَفِ الْخُزَامِيَّ وَعَرَفِ النَّدَامِيَّ      وَتَدْوَارِ خَمْرِ وَأَنْوَارِ جَمْرِ

و چو بوی خوش خزامی یعنی گیاهی خوش بوی      و چو گشتن می‌چو و شناخته‌های انگشت زنده

و چو لطفهای ندیمان

وَنَجْمِ اللَّيَالِي وَنَظْمِ اللَّائِي      وَمَغْبُوطِ عُمِرٍ وَمَضْبُوطِ أَمْرِ

و چو ستاره شب و چو نظم کردن مر و اربد      و چو عمر رشک برده و چو کار در ضبط آورده

لِمَسْعُودٍ سَعْدٍ سَرِيٍّ الْعَالِيِ      سَلَا بِالْحَرِيرِيِّ فِي أَرْضِ مِصْرٍ  
 مر مسعود سعد را مهتر کارهای بزرگ      که برون آورده است حریری را از غم در زمین مصر

\*\*\*

فیلم نسخه ای را که این قطعه از آن مأخوذ است گرفته ام و در کتابخانه دانشگاه طهران  
 محفوظ است. (مجتبی مینوی)



۱- بنظر نمی آید در عصر حیات حریری جز مسعود سعد سلمان شاعر کسی بتوان یافت  
 که برای این مورد صادق بیاید.